



اقای وزیر ارشاد قربیان قربانی نشود!

یادداشت روز

فرار از اقتصاد

حسین قدیانی

رزمایش ارتش جمهوری اسلامی هنوز در روزهای نخست خود بود که صدای نتایهاو درآمد تا معلوم نشود تجهیزات نظامی از قبیل موشک آگر متکی به



اراده‌های مقدس باشد، اتفاقاً اقتدار آفرین است. صلابت اقتدار ارتش و سپاه انقلاب اسلامی در ایمان مستحکم سردار و سرهنگ و سرباز ما ریشه دارد، در ترس و تقوا فقط از خدا ولاغیر، لیکن حضرت باری تعالی خود گفته است: «واعذوللهم ما استظلمتم من قوه». حال آیا زبیده است که وسط رزمایشی به این دشمن شکنی، آن هم در بین‌المللی ترین، اقتصادی ترین و حساس ترین شاهراه آبی جهان، بفرماند: «موشک، اقتدار نمی آفریند؟! ما اگر شعار خود را گذاشتیم تدبیر، مگر نه آن است که باید مدیران سخن بگویم و مدیران رفتار کنیم؟! واقعیت این است: سردار مملکت دارد به وظیفه خود عمل می‌کند، آن هم به نحو احسن. سردار مملکت، خواه چون حاج حسن طهرانی مقدم، شهید باشد، با موشک‌هایش، همچنان مشغول خدمت‌رسانی است، خواه چون حاج قاسم سلیمانی، شهید زنده باشد، باز هم به شایسته‌ترین نحو ممکن کار خود را دارد می‌کند. سپاه، موشکی که قول ساختش را داده بود، ساخته. ارتش غرور آفرین نیز: علی‌الظاهر جنگ نیست، اما سرهنگ کشور به شکوه هرچه تمام‌تر از پس کارهای خود برآمده، رزمایش بر گزار می‌کند لیکن اندازه یک جنگ واقعی، موجب وحشت اسرائیل می‌شود. خب! آن که باید موشک خود را بسازد، تمام و کمال این کار را کرده، آیا آن که ایام انتخابات قول داده بود صد روزه بخش مهمی از مشکلات اقتصادی کشور را حل کند هم کار خود را به نیکی انجام داده است؟! این شاه‌الله به کسی پرنخورد اما حقوقدان‌ها کم آورده‌اند از سرهنگ‌ها، اگر «من سرهنگ نیستم» تا دیروز یک پز انتخاباتی - تبلیغاتی بود، اینک باید گفت کاش بعضی‌ها عمل به وظیفه را از سرهنگ مملکت آموخته بودند. کاش همانگونه که نظامی‌ها در وظیفه خود یعنی ساخت موشک، آنچنان مدیران عمل کرده که دشمن، دیگر در خواب هم قادر به حمله نظامی به ایران عزیز نیست، دولت‌مد ما هم در مقوله اقتصاد اقتدار می‌آفرید. عرصه نظامی به سردار و سرهنگ خود مفتخر است، اما سردار میدان اقتصاد و سرهنگ عرصه معیشت کجاست؟! مع‌الاسف بعضی‌ها به جای عذرخواهی بابت بدقولی‌های اقتصادی و البته خیلی چیزهای دیگر، هنوز هم بر سر مردان جنگ می‌کوبند و وسط رزمایش ارتش، علیه اقتدار موشک جمهوری اسلامی سخن می‌رانند. خوب است دستگاه اجرا به جای فراق‌کنی و احیاناً تخطئه اقدامات غرور آفرین دیگران، در همان «شک کار آمدی» با صاحب نقد کشتی بگیرد، ما با دولت، دعوا نداریم لیکن «دعوی کار آمدی» چون دست آخر گره به زلف «مناقص ملی» می‌خورد، کتمان نمی‌کنیم که محل اصلی مناقشه ما با دولت است. دیگر باید دولت‌مدان ما مذاقه کنند که با چه شعارهایی از مردم رأی گرفتند؟! نیز باید مقایسه کنند چه نسبتی میان آن شعارهای عمدتاً اقتصادی و کلیدواژه‌های بعد از سکنداری‌شان وجود دارد؟! آیا پارازیت، فیلترینگ، زدن امر به معروف، اینترنت، معطل کردن امهات امور کشور به نتیجه مذاکره و... اندک تناسبی با شعارهای انتخاباتی آقایان دارد؟! متأسفانه حرف‌هایی که برای مردم «تان» نمی‌شنود، به کلیدواژه‌های اصلی دولت اعتدال بدل شده خواننده فلان بتواند بخواند، نویسنده بهمان بتواند بنویسد، آن یکی بتواند بنوازد، این یکی بتواند بروقت، صرف‌نظر از درست یا نادرست بودن این موارد - که بررسی آن مجال دیگری می‌خواهد - شده مهم‌ترین کلیدواژه‌های دولت اما فرار اینچنین از حوزه اقتصاد به حوزه‌های دیگر، زبیده دولتی نیست که دو شعار تدبیر و اعتدال را سر دست گرفته، نکته بسیار مهم اینجاست که اگر دولت قصد دارد «جنگ مواضع» با صاحب نقد راه بیندازد، منتقدان هوشیار تر از آنند که دولت را امر به معروف اصل کاری یعنی «امر به اقتصاد» نکنند. فرار از «بیرد کار آمدی» به «جنگ مواضع» این ظن را در مردم برمی‌انگیزاند که نکند دولت خود از کارنامه نه‌چندان خوبش در حوزه اقتصاد باخبر است که علی‌الذوم از اقتصاد فرار می‌کند! شگفتا! در حوزه‌های مورد علاقه آقایان هم وقتی از ایشان سؤال می‌کنی، باز از زیر بار مسؤلیت شانه خالی می‌کنند با این بهانه جالب که بودجه این نهاد و آن سازمان، از بودجه ما بیشتر است!

فرار از اقتصاد، هم خودش بد است، هم منجر به نتایج بدی می‌شود که همین فرار از مسؤلیت در حوزه‌های مورد علاقه هم از نتایج شوم فرار از فراهوزه اقتصاد است. آری! اقتصاد «فراهوزه» است و تو وقتی از آن فرار می‌کنی، با آن همه ادعا در دیپلماسی خارجی و دیپلماسی نفتی، قیمت نفت می‌شود ۵۷ دلار! باورم هست نفت ۵۷ دلار بیش از آنکه قدرت کدخدای غیر کدخدا را نشان بدهد، بیش از آنکه قدرت آل سعود در حال سقوط را نشان بدهد، حتی بیش از آنکه محصول زد و بند اوپاما و اخوک عبدالله بعضی آقایان باشد، نتیجه طبیعی فرار قوه مجریه از فراهوزه اقتصاد به حوزه‌های بعضاً مبتذل و دست‌چندم است.

ادامه در صفحه ۱۶



گفت‌وگوی «وطن امروز» با آزاده نامداری، مجری و مستندساز درباره سبک زندگی، تلویزیون و حاشیه‌ها

خدا را شکر چادری ام

- می‌خواهند همیشه تلویزیون را بزنند
- مردم به من می‌گویند آفرین به چادرت
- ته شهرت هیچ است
- پس از انتشار اخبار حاشیه‌ای رنجی به رنجم اضافه شد
- شأنیت چادر به مشکمی بودن آن است و من این را پذیرفتم

صفحه ۱۲

تیتروهای روز

آمریکا همچنان بر عدم صدور روآدید نماینده ایران در سازمان ملل اصرار دارد

۱۰ ماه پشت دروازه نیویورک

دیپلماسی لبخند نه تنها از دشمنی آمریکا کم نکرد بلکه قانون ۶۷ ساله را علیه ایران تغییر داد



صفحه ۲

چالش اشتغال در ۱۵ استان کشور

نرخ بیکاری دو رقمی شد

صفحه ۵

افزایش ۶۱ درصدی واردات خودرو

صفحه ۲

اعتراض چمران به کمیته اضطرار آلودگی هوا

صفحه ۴

ماجرا

نگاهی به معاهدات و توافقات خارجی ایران در ۲ قرن منتهی به انقلاب اسلامی - ۱

عصر انحطاط و امتیاز

امیرحسین صفایی

تاریخ معاهدات بین‌المللی ایران در ۲ قرن اخیر را می‌توان مترادف با تاریخ تجزیه‌این سرزمین دانست. دورانی که در برهوت غیرت و شرف دولتمردان و حاکمان، قدرت‌های بزرگ عرصه را برای شکار امتیازات سیاسی و اقتصادی خالی از رقیب دیدند. این برهه که با استقرار سلسله بی‌کفایت قاجار آغاز شده و با برکشیدن اجنبی‌دوستان پهلوی به دست سرویس‌های جاسوسی غربی تداوم یافته بود، نمایشگاهی از بی‌شرافتی، وادادگی، فساد و خیانت را مقابل چشم می‌گذارد.

گدایی «تحت‌الحماگی» به مثابه یک فراگفتمان حاکم بر رفتار دولتمردان، پدیده‌ای است که می‌توان آن را از نخستین مذاکرات و توافقات سیاسی حکومت قجری با بیگانگان تا انتهای کار پهلوی‌ها دنبال کرد. همین مصیبت بود که در دورانی طولانی از حیات سیاسی ایرانیان، «قائم‌مقام‌ها» و «میرکبیر»ها را به انزوا کشاند و کسسانی را در مقابل بیگانه نشانده که جز کسب رضایت آنان به چیزی نمی‌اندیشیدند و در تقرب به «ز ما بهتران» شرق و غرب از یکدیگر سبقت می‌جستند. هرچند ریشه‌های این انحطاط از اوآن دوران قاجاریه و حتی پیش از آن قابل پیگیری است اما آغاز این عصر را می‌توان با اغماض، از قراردادهای «گلستان» و «ترکمانچای» مطالعه کرد. دقت در شرایط اجتماعی و سیاسی آن دوران بسیار عبرت‌آموز و درآورد است.

در شرایطی که متاثر از فتوای مراجع و علما و رشادت عباس میرزا و سپاهیان ایرانی در جنگ با روس‌ها پیروزی‌هایی به دست آمده بود که می‌توانست ادامه یابد یا دست‌کم منافع ایران را تامین کند، اعتماد فتحعلی شاه به انگلیسی‌ها که همواره در کسب رضایت آنان می‌کوشید و حمایت آنان را انتظار می‌کشید، کار را به شکست کشانید و نتیجه آن شد که مناطقی چون آذربایجان، ارمنستان و گرجستان از خاک ایران جدا و به روسیه ملحق شد. در کنار این، امتیازات اقتصادی و تجاری فراوانی نیز به دشمن تقدیم شد. به فاصله چند دهه از این افتضاح خیانت‌بار که ناشی از عدم اعتماد به نفس و اتکالی کامل حاکمان ایران به بیگانه بود، در عهد ناصردین‌شاه توفیق پاریس با انگلستان به امضا رسید و بخش غربی افغانستان شامل هرات را به طور کامل از ایران منفک کرد. در همین ایام ایران براساس پیمان «آخال» با روسیه از حکومت بر «ترکمنستان» نیز دست کشید. این وادادگی البته تنها به مسائل مرزی و سیاسی منحصر نبود.

ادامه در صفحه ۱۶